

گفتو با اهل تاریخ؛ این شماره دکتر جواد عباسی

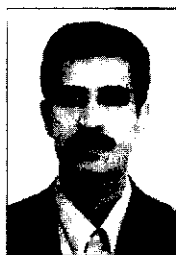
عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

معصومه صاحبکاران*

مریم برزنونی**

اشاره

آقای دکتر جواد عباسی آن طور که معمولاً خودشان را در نخستین کلاس درس با دانشجویان هر ورودی معرفی می‌کنند، متولد ۱۳۴۶ در شهرستان محلات (استان مرکزی) هستند. دوره کارشناسی و دبیری تاریخ را در دانشگاه تربیت معلم تهران (۹-۱۳۶۵) و دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری را در دانشگاه تهران (۱۳۶۹-۷۹) گذرانده و مدرک دکتری تاریخ ایران اسلامی (با گرایش دوره مغول) دریافت کرده‌اند. حدود یک دهه در آموزش و پرورش به عنوان معلم و کارشناس و مولف کتاب‌های درسی خدمت کرده‌اند.



چند سالی نیز در دانشگاه شهید بهشتی و دیگر مراکز آموزش عالی در تهران تدریس کرده‌اند. ایشان از سال ۱۳۸۲ همکاری خود را با گروه تاریخ دانشگاه فردوسی آغاز و ادامه داده‌اند. دکتر عباسی علاوه بر مشارکت در تألیف کتاب‌های درسی تاریخ (دوره‌های راهنمایی، متوسطه و پیش دانشگاهی) حدود ۲۰ مقاله در نشریات و کنگره‌های مختلف ارائه داده‌اند. علاوه بر این عضو تحریریه مجله رشد آموزش تاریخ نیز هستند. ویژه‌نامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا با عنوان مطالعات مغولی نیز به همت ایشان منتشر شده است. در این شماره با ایشان درباره مباحث و مسایل مرتبط با رشته تاریخ و دانشجویان این رشته به گفتگو نشستیم.

آقای دکتر به عنوان نخستین پرسش بفرمایید وضعیت رشته تاریخ در دانشگاه‌های ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ و چه پیشنهادهایی برای بهبود آن دارید؟

به نام خدا. رشته تاریخ به عنوان یک رشته دانشگاهی از یک سو تابعی از شرایط عمومی دانشگاه‌ها و فعالیت‌های علمی - آموزشی آنها در همه رشته‌ها و بخصوص رشته‌های علوم انسانی است و از سوی

* دانشجوی کارشناسی تاریخ - دانشگاه فردوسی مشهد

** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ - دانشگاه فردوسی مشهد

دیگر دارای اقتضاعات و مسائل خاص خود نیز می‌باشد. در بعد نخست رشته تاریخ هم مانند سایر رشته‌ها در یکی دو دهه اخیر گسترش کمی زیادی یافته است. در چند دانشگاه در این مدت رشته تاریخ تأسیس شد و در مجموع نیز تعداد دانشجویان به اشکال مختلف (از جمله تأسیس دوره‌های نوبت دوم) افزایش یافته است که البته زیر ساخت‌ها و امکانات لازم و یا به عبارتی دیگر «کیفیت»، متناسب با این رشد کمی رشد نکرده است. به نظر من نفس گسترش کمی علیرغم در نظر گرفتن مسایل شغلی و امثال آن (که مطلوب نیست) عیبی ندارد چرا که حداقل موجب گسترش دانش و بینش تاریخی در سطح جامعه می‌شود و از این رهگذر تأثیرات غیر مستقیم اما مهمی در رشد عمومی و آینده جامعه دارد. نکته مهم در این جا این است که نظام دانشگاهی می‌بایست به سمتی حرکت کند که تحصیل کنندگان در همه رشته‌ها و از جمله رشته تاریخ با حداکثر توانمندی و آگاهی علمی پرورش یابند. از همین جا با اشارهای هم به بعد دوم یعنی اقتضاعات و شرایط خاص رشته تاریخ می‌کنم. در کشور ما متأسفانه اهمیت و وظایف کاربردی رشته‌های علوم انسانی و بویژه رشته تاریخ چنانکه باید شناسانده نشده است. در این زمینه ما هم در سطح جامعه با مشکل مواجه هستیم و هم در سطوح مدیریتی و تصمیم‌سازی. آنچنانکه رشته‌هایی مثل تاریخ در برنامه‌ریزی‌های کلان علمی و دانشگاهی معمولاً جنبه حاشیه‌ای دارند و به نظر من بسیاری از تصمیم‌گیرندگان اجرایی کشور در حوزه‌های مربوط نیز در درک ماهیت و اهمیت این رشته‌ها از آگاهی کافی برخوردار نیستند. البته نباید غفلت و احياناً کم کاری خود اهل تاریخ را هم نادیده گرفت. برای مثال کیفیت آموزش و پژوهش در حوزه تاریخ در کشور ما روز آمدی و گستردگی لازم را ندارد و یا در کشور ما هنوز تشکلی صنفی - علمی میان اهل تاریخ شکل نگرفته تا به مسایل این رشته پردازد و برای حل آنها بکوشد. مساله دیگر که به نحوی با مورد قبلی ارتباط هم دارد، انگیزه و کارایی در دانشجویان این رشته است. من دانشجویان را معمولاً به سه دسته تقسیم می‌کنم یکی آنهایی که بدون مطالعه و آگاهی و حتی گاه با پیش‌فرض‌های منفی وارد رشته تاریخ می‌شوند (با توجه به شرایط آموزشی و ورود به دانشگاه‌ها که خود حکایتی مفصل و پرمشکل است) و سپس در طول تحصیل بتدریج با اهمیت و کاربرد این رشته آشنا و به آن علاقه‌مند می‌شوند. دوم کسانی که با نگاه منفی و بی‌علاقه وارد این رشته می‌شوند و تا پایان هم کمابیش همین‌طور باقی می‌مانند و فقط به دریافت یک مدرک دانشگاهی می‌اندیشند و بالاخره سوم آنهایی که تا حدودی آگاهانه و با علاقه در این رشته مشغول به تحصیل می‌شوند. از این میان متأسفانه تعداد گروه‌های اول و سوم غلبه ندارد. از این جاست که هم نظام برنامه‌ریزی دروس در دانشگاه‌ها، هم نگاه مدیران و مجریان امور و هم اهل تاریخ باید هر کدام به سهم

خود وارد عمل شوند و چاره‌هایی برای حل این مشکلات یا دست کم کاهش آنها بیندیشند. در زمینه شیوه‌های آموزشی (روش تدریس)، تکنولوژی آموزشی و متون درسی نیز می‌باید بازنگری‌هایی انجام بگیرد. برای مثال هنوز رایانه و اینترنت در حوزه آموزشی نقش محسوس نیافته است.

آقای دکتر: با توجه به اینکه اخیراً شما به عنوان مشاور انجمن علمی دانشجویان گروه تاریخ دانشگاه فردوسی معرفی شده‌اید، لطفاً نظر خود را درباره فعالیت‌های علمی - دانشجویی بیان بفرمایید.



دانشجویان محور اصلی فعالیت‌های آموزشی - علمی در دانشگاه هستند و در واقع همه آنچه در دانشگاه‌ها می‌گذرد اعم از مسایل اجرایی تا تولیدات علمی و پژوهشی می‌بایست در نهایت نتیجه آنها معطوف به افزایش سواد و کارآمدی دانشجویان باشد. در عین حال دانشجو می‌بایست به معنی واقعی کلمه جوینده دانش باشد و فقط به آنچه دیگران به او می‌دهند، بسنده نکند. بلکه بتدریج با افزایش مطالعات خویش، نقشی جدی‌تر از یک فراگیر صرف ایفا کند. یک دانشجوی تاریخ با گذراندن حدود ۶۰ عنوان درسی (۱۳۶ واحد) و مطالعه تعدادی جزوه و کتاب به هر حال فارغ التحصیل خواهد شد، اما به نظر من این برای کارشناس شدن در حوزه تاریخ (در حد

لیسانس) کافی نیست. دانشجو در درجه اول باید هم و وقت خود را صرف مطالعه، تحقیق، شرکت در مجامع علمی و مواردی از این قبیل کند. گاه دیده می‌شود که بعضی دانشجویان آنچنان سرگرم فعالیت‌های صنفی و اجرایی می‌شوند که از هدف اصلی که به آن اشاره شد فاصله می‌گیرند. به طوری که گاه حتی در کلاس‌های درس حاضر نمی‌شوند و یا فعال نیستند. به نظر من این یک تهدید برای دانشجو است. باید توجه کنیم که همه فعالیت‌ها که در جای خود بسیار ارزشمند هستند در نهایت برای رشد علمی دانشجویان پیش‌بینی می‌شوند و بنابراین باید مراقب بود تا نتیجه عکس نداشته باشند. با توجه به این نکات است که ایجاد تشکیلاتی مثل انجمن علمی یا تهیه نشریات دانشجویی کاری با ارزش و اهمیت می‌شود که خوشبختانه انجمن علمی دانشجویان رشته تاریخ در دانشگاه فردوسی مشهود

در این زمینه‌ها بسیار فعال و پرتکاپو است. نمود آن را هم در انتشار مجله تاریخ پژوهی می‌توان اشاره کرد. انجمن علمی می‌تواند در زمینه‌ای که قبلاً آن اشاره کردم یعنی تبیین جایگاه رشته تاریخ و جلب علاقه و افزایش انگیزه در دانشجویان، نقشی کلیدی داشته باشد و ضمناً در زمینه‌سازی برای رشد علمی بیشتر و ادامه تحصیل آنها گام بردارد.

خوب ما پرسش‌های دیگری هم داشتیم که چون شما در لابلای صحبت‌هایتان به شکلی پاسخ آنها را داده‌اید، از طرح آنها خودداری می‌کنیم. در پایان اگر سخنی با دانشجویان رشته تاریخ دارید، مطرح بفرمایید.

من معمولاً از نصیحت کردن به شیوه‌های کلی و تکراری ابا دارم. اما در عین حال حیفم می‌آید که بعضی نکات را مطرح نکنم. چرا که دوست ندارم شاهد هدر رفتن عمر و انرژی و هزینه‌های مربوط به دانشجویان باشم. به دانشجویان توصیه می‌کنم در درجه اول بکوشند با مطالعه، پرسش، گفتگو یا هر راه دیگری تکلیف خود را با رشته تاریخ روشن کنند. هر چه زودتر هم این کار صورت بگیرد (در مرحله پیش از ورود به دانشگاه یا در ابتدای تحصیل در این رشته) بهتر است، اما حتی اگر این کار ممکن نبود در طول تحصیل در این باره بیندیشند و مطالعه بکنند. اگر دانشجو بتواند این کار را انجام دهد به نظر من تا حد زیادی تکلیف خود را روشن کرده است و انگیزه مضاعف برای پیشرفت پیدا می‌کند. دیگر اینکه یک برنامه جامع برای دوران دانشجویی خود داشته باشد که محدود به سر کلاس رفتن نباشد بلکه مواردی چون مطالعه و تحقیق دائمی، ورزش و تفریح، یادگیری یکی دو زبان خارجی در حد مکالمه و ترجمه، کاربرد رایانه و اینترنت را حتماً جزو برنامه هفتگی و روزانه خود قرار دهند. تجربه‌ها نشان می‌دهد که فرصتی که برای اکثر دانشجویان در دوره تحصیل در مقطع کارشناسی فراهم است، هیچگاه تکرار نخواهد شد. بعلاوه توجه به این موارد از ضروریات زندگی در عصر کنونی است که موفقیت‌های آتی را نیز تضمین می‌کند. در مورد مطالعه و تحقیق هم بهتر است از پراکنده خوانی و از این شاخه به آن شاخه پریدن پرهیز کنند و بر اساس یک نظم منطقی این کار را انجام دهند. برای مثال خوب است که مطالعات تکمیلی خود درباره تاریخ ایران را بر اساس سیر ارائه دروس و ترتیب زمانی انجام دهند و از مطالعات آشفته پرهیز کنند. برای نمونه می‌توانند در سال اول و دوم تمرکز اصلی را روی تاریخ ایران و جهان باستان و تاریخ اسلام یا مباحث پایه‌ای رشته تاریخ بگذرانند و در سال‌های بعد به دوره‌های بعدی تاریخ ایران و جهان توجه کنند تأکید می‌کنم این جدای از کلاس درس و متن درسی است. در پایان برای شما و همه دانشجویان رشته تاریخ در سر تا سر ایران آرزوی موفقیت دارم.